

مبانی اخلاقی سیاست کیفری ایران و انگلستان

در تعیین جرایم با مسئولیت مطلق

شهاب الدین ناصری^۱، دکتر مسعود بسامی^{۲*}، دکتر مسعود قاسمی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد اسلام آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱)

چکیده

زمینه: اخلاق نقش مهمی در زمینه حقوق جزا و از جمله مبانی مسئولیت کیفری ایفاء می نماید. یکی از مهم ترین انواع جرایم، جرایم با مسئولیت مطلق است که در نظام های سیاست کیفری ایران و انگلستان نیز مورد پذیرش قرار گرفته اند. ابعاد و محدوده این جرایم در این دو نظام کیفری با یکدیگر متفاوت است به نحوی که در نظام کیفری ایران صرفاً در مورد برخی از جرایم اقتصادی و فساد اداری مورد پذیرش قرار گرفته است در حالی که در نظام کیفری انگلستان دامنه جرایم با مسئولیت مطلق به جرایم منافی عفت و ... بسط پیدا کرده است. سوال اصلی در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، این می باشد که مبانی اخلاقی سیاست کیفری ایران و انگلستان در تعیین جرایم با مسئولیت مطلق چیست؟

نتیجه گیری: مسئولیت کیفری مطلق در سیاست های کیفری اعم از ایران و انگلستان به صورت مستقیم با دو رکنی یا سه رکنی بودن جرایم در ارتباط است. تفاوت های مهمی میان مبانی اخلاقی جرایم با مسئولیت کیفری مطلق در سیاست جنایی ایران و انگلستان دیده می شود. نتیجه تحقیق حاضر آن است که مبانی اخلاقی در سیاست کیفری ایران بر اساس قواعد کلی فقهی لاضرر، قاعده تجری، قاعده اکل مال به باطل و ... قابل اشاره است در حالی که در سیاست کیفری انگلستان بر مبنای اصولی مانند اصل مصلحت قابل ارزیابی است.

کلیدواژگان: اخلاق، مسئولیت مطلق، سیاست کیفری

سر آغاز

مسئولیت مطلق یک نهاد حقوق مدنی^۱ است که پس از انقلاب صنعتی در اروپا و تحولات کار و صنعتی سازی به منظور جبران خسارت ناشی از بکارگیری محصولات صنعتی مورد پذیرش قرار گرفت. البته مسئولیت مطلق^۲ در این نهاد حقوق مدنی به این معنا نبود که تولیدکننده کالاهای صنعتی، همواره مسئولیت مدنی دارد بلکه مسئولیت مدنی برای وی در این نهاد حقوقی، مفروض است مگر این که تولیدکننده می توانست عدم تقصیر خود را به اثبات برساند و از مسئولیت مدنی در امان باشد (۱). در جرایم با مسئولیت مطلق، این عقیده وجود دارد که به صرف ارتکاب جرایم توسط مرتکب و به عبارت بهتر به صرف انجام رفتار مادی، مرتکب قابلیت مجازات پیدا می کند و این به دلیل ارتباط نزدیکی است که بین عنصر روانی و عنصر مادی در این جرایم وجود دارد (۲).

به عبارت دیگر، در جرایم با مسئولیت مطلق، مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست و نیازی به احراز عنصر روانی نیز برای اثبات این جرایم وجود ندارد (۳). مسئولیت کیفری^۳ مطلق در مورد جرایمی مورد پذیرش قرار گرفته است که در آنها، هدف از جرم انگاری توسط قانون گذار، پیشگیری از ارتکاب برخی رفتارهای خطرناک و حمایت از منافع عمومی است. هم چنین در جرایمی که مسئولیت مطلق کیفری در مورد آنها مورد پذیرش قرار گرفته است، اثبات سوء نیت با مشکلات عدیده ای مواجه است و اغلب مستلزم صرف هزینه های زیاد است (۴). این که مبانی اخلاقی سیاست کیفری ایران و انگلستان در تعیین جرایم با مسئولیت مطلق چیست، سوال اصلی که این پژوهش در صدد پاسخ دهی بدان می باشد.



در همین راستا، بایستی گفت در این تحقیق با استناد به روش توصیفی-تحلیلی، مبانی اخلاقی سیاست کیفری^۴ ایران و انگلستان در تعیین جرایم با مسئولیت مطلق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تعریف مسئولیت مطلق کیفری

در ابتدای بحث بایستی گفت که مسئولیت مطلق کیفری با مسئولیت محض کیفری متفاوت است به این معنا که در مسئولیت محض کیفری، جرایم به اثبات عنصر روانی در اغلب اوقات نیاز دارند اگرچه اثبات سایر عناصر جرم یعنی عنصر مادی و عنصر قانونی در آن لازم است. البته همان گونه که گفته شد در جرایم مسئولیت محض کیفری، در اغلب اوقات لازم نیست که عنصر روانی اثبات شود اما برخی اوقات نیز اثبات این عنصر لازم می‌آید اما در جرایم با مسئولیت مطلق کیفری، در هیچ موردی اثبات عنصر معنوی یا همان روانی لازم نیست. بنابراین، می‌توان این برداشت را ارایه نمود که مسئولیت مطلق یک استاندارد سخت‌گیرانه‌تر نسبت به مسئولیت محض دارد (۵). یکی دیگر از تفاوت‌های میان مسئولیت مطلق و مسئولیت محض کیفری آن است که در مسئولیت محض، اثبات رابطه سببیت میان رفتار مادی و جرم لازم است. کما اینکه در قضیه ایمپرس کار، دادگاه انگلیسی رای داد: "در حالیکه مسئولیت در قبال آلودگی آب، محض بوده، می‌بایستی این امر اثبات شود که آلوده نمودن آب از زمین متهم بوده است فارغ از اینکه این آلوده نمودن به چه صورت انجام شده است" (۶). این در حالی است که در مسئولیت مطلق کیفری، اثبات رابطه سببیت نیز میان رفتار مادی و جرم، ضروری نیست (۷).

جرایم به طور معمول دارای سه رکن قانونی، مادی و معنوی هستند. حقوقدانان بر تحقق هر جرم علاوه بر وجود عنصر مادی و قانونی، وجود عنصر معنوی و یا روانی را شرط می‌دانند. معمولاً مرتکب عمل خلاف مقررات باید با سوء نیت و به قصد ارتکاب جرم انجام داده باشد در غیر این صورت اعمال ارتكابی وی مشمول مقررات و مرتکب و عدم آن به دو دسته جرایم عمدی^۵ و غیرعمدی تقسیم می‌شود (۸). در جرایم عمدی، اثبات عمد برای اعمال مجازات شرط لازم است زیرا عمد متضمن میل و تصمیم فاعل در رسیدن به نتیجه مجرمانه است. از اهم این درجات نیت، بی تفاوتی یا بی‌پروایی و غفلت و اهمال است. با این حال، جرایمی وجود دارند که عنصر روانی در آنها غایب است و به عبارت بهتر به رکن روانی در وقوع جرم نیازمند نیستند که به این جرایم، جرایم مادی صرف یا جرایم مسئولیت مطلق نیز می‌گویند.

استدلالات پیرامون توجیه مسئولیت مطلق کیفری

معمولاً چهار استدلال در ارتباط با توجیه مسئولیت مطلق کیفری آورده می‌شود تا برخی از انواع آن به عنوان جرایم مادی صرف قرار بگیرند. این چهار استدلال عبارتند از: ۱- دشواری اثبات عنصر معنوی: در بسیاری از جرایم مادی صرف، اثبات سوء نیت بسیار دشوار است و بدون مسئولیت مطلق، مجرمین ممکن است از مسئولیت شانه خالی کنند.

مثال بارز آن، جرایمی هستند که شرکت‌های بزرگ در آن دخیل هستند و دشوار می‌توان اثبات کرد که کسی از آنچه اتفاق افتاده، آگاه بوده است؛ ۲- بهره برداری از خطر: هنگامی که تخلفی مربوط به کسب است، کسانی که مرتکب آن می‌شوند ممکن است برای خود توجیهی پس انداز کنند و به این ترتیب با این کار سود مازاد بدست آورند مثلاً با صرفه جویی در وقتی که روی بررسی مقررات امنیتی می‌گذارند. ۳- حفظ منافع عمومی؛ چون لطمه شدید در رابطه با جرایم به منافع عمومی خورده می‌شود، مصلحت عمومی ایجاب می‌نماید که این جرایم، جرایم دو رکنی باشند؛ ۴ برخورد سخت‌گیرانه و شدید که در ارتباط با برخی جرایم است، باعث می‌شود اثبات عنصر معنوی سخت باشد به این دلیل نیز این جرایم، دو رکنی شوند، مناسب‌تر می‌باشد (۹).

موضع سیاست کیفری ایران در قبال جرایم با مسئولیت مطلق

در سیاست کیفری ایران، جرایم با مسئولیت مطلق مورد پذیرش قرار گرفته‌اند به طوریکه "جرایم خلافی که به معنای سرپیچی از قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها می‌باشند؛ مبتنی بر مسئولیت کیفری مطلق هستند و به محض نقض احکام و مقررات قانونی، تقصیر خلافی ثابت می‌شود و لذا عمد و یا حسن نیت یا جهل مرتکب در میزان کیفر اثرگذار نیست" (۱۰). مسئولیت مطلق، یک نهاد حقوقی متعلق به نظام فقهی یا حقوقی ایران نبوده و از نظام حقوقی غربی وارد نظام حقوقی ایران شده است و به همین دلیل می‌توان آن را از زمره مسایلی مستحده محسوب کرد. مسئولیت مطلق در سیاست کیفری ایران عمدتاً در مورد جرایم اقتصادی مورد پذیرش قرار گرفته است.

مبانی اخلاقی-فقهی جرایم با مسئولیت مطلق در سیاست کیفری ایران

الف) قاعده لاضرر

قاعده لاضرر^۷ یکی از قواعد فقهی، حقوقی و اخلاقی است که در سرتاسر فقه بدان استناد می‌شود و در بسیاری از مسایلی سیاسی و اجتماعی کارساز است. اهمیت این قاعده به اندازه‌ای است که بسیاری از متفکران اسلامی، آن را راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگی می‌دانند (۱۱ و ۱۲). اصل ضرر که در نظر طرفداران لیبرال، مهم‌ترین اصل برای جرم‌انگاری رفتارها است بر این اساس بنا شده است که تنها رفتارهایی باید در حوزه حقوق کیفری وارد شوند که به دیگران ضرر می‌رسانند. به موجب این اصل، ضرر به غیر و پیشگیری از آن اولین دغدغه حقوق کیفری است و بر همین مبنا، برخی از مصادیق رفتارهای ضروری می‌بایست جرم تلقی شود (۱۳). لغویون هم چون ابن‌اثیر در نهاییه و راعب در مفردات، ضرر را به معنای یک امر وجودی و عدم‌النفع، در تنگنا قرار دادن دیگری، ایجاد نقص در جان یا مال یا عرض و ضررهای معنوی و ضرر را مجازات بر ضرر، ورود ضرر

گذاشته شود، در نتیجه دیدگاه اول منطقی و موجهرتر بوده و بر دیدگاه دوم ترجیح دارد. شا گاهی انجام عملی را حرام کرده و بر ارتکاب آن مجازات مقرر داشته و گاهی انجام عملی را واجب نموده و بر ترک آن کشتن یک طفل ممکن است از راه مسموم کردن یا غذا ندادن به او محقق، مجازات مقرر کرده است. برای مثال شود. مسموم کردن طفل، یک عمل حرام و غذا دادن به او بر ولی یا سرپرست وی واجب است. در دیدگاه مقابل عده ای هستند که معتقداند که ذریعه، وسیله و راه رسیدن به هر چیزی است، اعم از آنکه مشروع و مجاز. قائلین به این ابن قیم الجوزیه و ابن فرحون این دیدگاه را دارند. باشد یا ممنوع و غیرمجاز. قرافی نظر می گویند سد ذرایع همانگونه که گاهی واجب است، در مواردی نیز حرام، مکروه، مستحب یا مباح است؛ بنابراین همانگونه که تأمین وسیله رسیدن به حرام، حرام است، تأمین وسیله انجام واجبات نیز واجب است. از نگاه این گروه موضوعات احکام بر دو قسم است: دسته اول؛ مقاصدی که به خودی خود دربردارنده مصالح و مفاسدند و دسته دوم؛ وسایلی که ابزار و راه های رسیدن به مقاصدند؛ بنابراین تحصیل وسایل رسیدن به واجب، واجب است و کسب وسیله رسیدن به حرام نیز حکم حرمت را دارد.

- مفهوم مقدمه حرام: هرگاه رابطه دو چیز به گونه ای باشد که وجود یکی از آنها متوقف بر دیگری باشد، متوقف را «ذی المقدمه» و دیگری را «مقدمه» می گویند؛ بنابراین مقدمه چیزی است که امر دیگری بر آن متوقف باشد. به این ترتیب، منظور از مقدمه حرام چیزی است که برای تحقق حرام اجرای آن در خارج، لازم است.

ثمره بحث قاعده مقدمه حرام این است که اگر حکم شرعی نباشد نمی تواند اراده و نهی مولی را قصد امر یا قصد ترک کند. این ثمره، زمینه سازی می کند تا کار را به مولی نسبت بدهد که این، موجب ثواب و عقاب می شود. پس این ثمره برای ملازمه کافی است.

ج) قاعده سد ذرایع

هدف از سد ذرایع حفظ مصالح و دفع هرگونه مفسده است. براساس این قاعده، هرچه حرام است، راه و وسایل رسیدن به آن نیز حرام است. این قاعده که با عنوان «سد ذریعه» یا «سد ذرایع» مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و با وجود مخالفتهایی که با حجیت آن به عمل آمده، در مواردی که به کار گرفته شده، برخی آثار فقهی بر آن مترتب بوده که از نگاه جرمشناسی^{۱۱} نیز جالب توجه است؛ زیرا این عنوان بر بخشی از آموزه های پیشگیری وضعی، در دانش جرمشناسی منطبق است. از نگاه برخی فرقه های اسلامی که سد ذرایع را به عنوان یک قاعده می شناسند، شارع درصدد است تا از راه منع توسل به اسباب و وسایل منتهی به حرام، زمینه های ارتکاب حرام را از میان بردارد و وقوع جرایم را تا آنجا که ممکن است کاهش دهد.

از جمله مباحث مهم در رابطه با اعتبار قاعده سد ذرایع، اعتبار این قاعده است که عده ای از فقها آن را قاعده ای مستقل معرفی کرده و در مقابل عده ای دیگر عقیده ای عکس دارند که بحث پیرامون آن موضوع در بخش آتی است.

توسط دو نفر به یکدیگر، هم معنای ضرر، ورود ضرر توسط شخصی بدون آنکه سودی عایدش شود، ورود ضرر به دیگری با قصد قبلی و تکرار در ورود ضرر گرفته اند و معنای لا را نیز عمدتاً نفی جنس دانسته اند. در دیدگاه اسلامی، وجوب و تحریم فقهی در جهت فلسفه هدایت تشریح الهی، جلب مصالح و دفع مفاسد و مضار مادی و معنوی از انسان را دنبال می کند که برای بسیاری از آنها مجازات دنیوی اعم از قصاص تا تعزیر مقرر شده است^(۱۴). حکم حکومتی بودن قاعده لاضرر این خصوصیت را دارد که بر اساس آن، می توان برای اعمال مدیریت به صورت کلی و مدیریت اقتصاد جامعه و کشور اقدام به جرم انگاری نمود. قاعده "الضرر یدفع بقدر الامکان" نیز به نوعی توجیه کننده مجازات برای جرایم بر اساس اصل لاضرر می تواند باشد؛ یعنی بر اساس عمل به مصالح مرسله، دفع ضرر قبل از وقوعش با تمام وسایل ممکن واجب است. از این روست که جهاد برای دفع شر دشمنان مشروع شده است و مجازات ها برای از بین بردن جرم ها واجب شده است. هم چنین بنا به قاعده ((الضرر یزال)) جبران ضرر در جرایم باید مورد توجه قرار بگیرد^(۱۵). جرمی اقتصادی^{۱۶} محسوب می شود که منجر به آسیب به اقتصاد یا یک سیستم اقتصادی شود و لزومی ندارد که در یک بخش تجاری اتفاق افتاده باشد بلکه با انگیزه کسب سود و در هر جای جامعه که روی دهد؛ جرایم محسوب می شود. لذا می توان گفت که جرایم با سیاست اقتصادی که کل نظام اقتصادی را تنظیم می کند در ارتباط است و در پی حمایت از مالکیت خصوصی^{۱۷} نیست^(۱۶). اولاً دو عنوان ضرر از مفردات قاعده لاضرر که معنای مختلفی برای آن ذکر شده است به نظر می رسد که جرایم با قاعده انطباق داشته و غالباً هم ضرر در جرایم از سنخ اضرار عمومی و جامعه است. ثانیاً از یک طرف با بررسی دقیق در دیدگاه های مختلف در مورد مفاد قاعده لاضرر، که ضرر و زیان و خسارت در شریعت اسلام مذموم و غیرمشروع است؛ همان طور که بر اساس نظر مشهور ضرر و زیان نفی شده است و از طرف دیگر با توجه به پدیده جرایم که دارای ضررهای فراوانی برای جامعه و نظام اسلامی دارد، به روشنی بدست می آید که جرایم به روشنی مشمول قاعده فوق می شود. ثالثاً بر اساس نظریه امام خمینی در مورد مفاد قاعده لاضرر فهمیده می شود که در حکومت اسلامی هیچ کس نباید به دیگری ضرر بزند و در واقع، هر جا ضرر برای نظام اسلامی و جامعه باشد؛ باید حکومت اسلامی با آن مقابله نماید و ضرر را دفع کند. بنابراین با توجه به ضررهای مخربی که جرایم با خود به همراه دارند، وظیفه دولت است که با جرایم مقابله و آن را جرم انگاری نماید^(۱۷).

ب) مقدمه حرام

هرچند در فقه امامیه^{۱۸} فقط وجوب مقدمه واجب را به عنوان یک قاعده پذیرفته اند و حرمت مقدمه حرام به عنوان قاعدهای کلی مورد قبول؛ مگر آنکه از باب تجربی، چنین حرمتی قابل توجیه باشد. به نظر می رسد مفهوم ذریعه یک اختلاف لفظی است. با توجه به اینکه دستورات شارع در قالب اوامر و نواهی ظهور و بروز می یابد و جرایم در قالب فعل یا ترک فعل محقق می شود؛ بنابراین ترک مقدمه واجب یا انجام مقدمه حرام، هر دو می تواند ذیل شمول موضوع سد ذرایع به بحث

دخل و هم خرج، هم تولید و هم توزیع بایستی با معیارهای صحیح و مشروع انجام پذیرد (۱۹). روابط اجتماعی^{۱۲} و اقتصادی^{۱۳} چنان پیچیده و گسترده شده است که در بیشتر موارد هرکس مالی بر دارایی بیفزاید، استفاده بدون جهت و به تعبیر قرآن کریم ((اکل مال به باطل)) به عنوان یکی از منابع تعهد است که در حقوق اکثر کشورها پذیرفته شده است. این قاعده که هیچ کس نباید به زیان دیگری دارا شود در کشورهای مختلف خواه به صورت وضع یک قاعده کلی و خواه با بیان برخی مصادیق قاعده مورد شناسایی و عمل قرار گرفته است. حقوق اسلام نیز به عنوان یک نظام حقوقی مستقل، شاید تنها نظام حقوقی است که این قاعده را از بدو پیدایش تاسیس نموده است.

۱) تجری

تجری به معنای جرات یافتن بر ارتکاب جرم یا گناه^{۱۴}، به حالت و وضعیت کسی اطلاق می شود که هرچند به عناصر تشکیل دهنده یک جرم یا گناه تحقق نبخشیده، اما اقدامات وی حکایت از جرات و جسارت وی در ارتکاب چنین رفتاری دارد (۲۰). تجری در اصطلاح عبارت است از مخالفت عملی با حکم الزامی مولی اعم از واجب یا حرام به اعتقاد انجام دهنده، درحالیکه به پنداروی برخلاف واقع بوده و درحقیقت مخالفتی صورت نگرفته است. مانند کسی که آب رابه گمان اینکه شراب بوده است بنوشد سپس معلوم گرددکه آب بوده است نه شراب. مواردی مانند شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال درحقوق موضوعه می تواند از مصادیق تجری به شمارآید. کسی که اقدام لازم برای محقق ساختن عنصرمادی جرم را انجام می دهد لکن به دلیل مانعی خارجی آن جرم تحقق نمی یابد و عملاً نتیجه مجرمانه بدست نمی آید. درخصوص تجری و اینکه آیا شخص استحقاق عقاب و مجازات را دارد یا خیر بین فقها و اصولیین اختلاف نظر است. گروهی معتقدند متجری باید مجازات شود، زیرا هرچند نتیجه مجرمانه تحقق نیافته، لکن مهم نقض دستور شارع و قانون گذار است که توسط وی محقق شده است و از این جهت با سایر مجرمان تفاوتی ندارد لذا باید مجازات شود. شیخ انصاری معتقد است که عقاب به قبح فعلی تعلق میگیرد نه به قبح فاعلی. از این جهت فردقابل مجازات نیست. صاحب فصول نیز معتقد است که در تجری برای مجازات متجری باید مصلحت و مفسده عمل ارتکابی سنجیده شود سپس حکم به مجازات شود (۲۱).

ابتدا باید به این موضوع بپردازیم که اصولیین در رابطه با تجری چه دیدگاهی دارند؟ آیا معتقد به استحقاق عقاب و مجازات برای فرد متجری همانند یک فرد عاصی و گناهکار هستند به عبارتی آیا مجرم و متجری را یکی می نامند؟ آیا معتقدند متجری هیچ مسؤلیتی ندارد و نیاز به واکنش در برابر او نیست؟ معمولاً اصولیین در ضرورت تقبیح و سرزنش متجری اختلافی ندارند بلکه در قبح عقلی یا شرعی تجری و جواز یا عدم جواز مجازات متجری اختلاف نظر است. دیدگاه قائلین به حرمت تجری و لزوم مجازات بدین صورت است که از جمله علامه حیدری معتقد است اگر شخص قاطع با قطع خود مخالفت کند چنانچه قطع او مطلق با واقع بوده باشد همه اصولی ها اعتقاد دارند که چنین

دو دسته دلایل مخالفان و موافقان قاعده سد ذرایع وجود دارد که در زمینه تحولات مربوط به ارکان تشکیل دهنده جرایم نیز مهم می نماید. درباره این امر که آیا سد ذرایع یکی از ادله مستقل در فقه اسلامی است یا خیر و قاعده ای است که بر مبنای آن، احکام شرعی صادر می شود؛ اختلاف نظر وجود دارد. فقهای مالکی و حنبلی معتقدند سد ذرایع از ادله معتبر شرعی بوده و آن را از جمله اصولی می دانند که قانون گذاری اسلامی بر آن بنا نهاده شده است. در مقابل، دانشمندان حنفی، شافعی و امامیه با این دیدگاه موافق نبوده، صرفاً در بعضی تطبیقات جزئی موافقت دارند (۱۸).

یکی از محققان فقه و حقوق معتقد است که وسیله انجام کار نقش مهمی در رسیدن به هدف دارد، اما گاهی همین وسیله است. و این قاعده ای است که سد ذرایع به هدفی حرام می انجامد و بدان خاطر از آن منع می شود و این معنای اصولیون آن را استنباط نموده اند مبنی بر اینکه: شریعت حکم اهداف را بر وسایل نیز جاری می سازد. بدین ترتیب اگر وسیله ای منجر به انجام کاری حرام گردد آن وسیله نیز حرام است همچنان که اگر وسیله ای منجر به انجام کاری واجب گردد آن وسیله نیز واجب است. عمل فحشا و زنا حرام است، سپس هرآنچه منتهی به زنا گردد حرام است، بدین خاطر شارع خلوت میان زن و مرد بیگانه و نامحرم را حرام گردانیده هم چنان که نگرستن مرد به اندام های محرک زن را هر کدام وسیله می شدند جهت افتادن، حرام گردانیده است.

۲) قاعده اکل مال به باطل

قاعده اکل مال به باطل یک قاعده کلی است که تمام تصرفات، اعم از تصرفات مالی و غیرمالی، تصرفات عدوانی، قمار، ربا، رشوه، غصب و غیره را در برمی گیرد. این قاعده به قدری اساسی و ضروری و بنیادین می باشد که به عنوان یکی از ارکان چهارگانه معاملات و قراردادهای نیز شناخته می شود به نحوی که در کنار غرری بودن، ضرری بودن، ربوی بودن به عنوان یکی از موارد چهارگانه بطلان معاملات تجاری شناخته می شوند فارغ از تاثیراتی که در حقوق کیفری دارند. از پارامترهای این قاعده بررسی اکل مال، باطل و حرام است. بعضی از فقها باطل را اعم از باطل شرعی و عرفی می دانند، همین امر سبب شده تا قاعده اکل مال، قلمرو و مصادیق متعددی داشته باشد و بیان می کنند که اکل مال هم معاملات، و هم غیر معاملات و حقوق را شامل می شود. قاعده فوق، مهم ترین سند برای جلوگیری از نشر باطل و حرام می باشد. از نظر اسلام، هرگونه تصرف در اموال و دارایی ها باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هر چیزی که خارج از این اصل باشد، حرام و باطل است. بر این اساس، تحصیل درآمد از راه های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیرمجاز، حرام است و باطل به دلیل عمومیت و اطلاقی، همه را شامل می شود. حتی مطابق با آنچه برخی گفته اند، گستردگی معنای باطل نیز همین معنا را اقتضاء می کند. نه تنها تحصیل درآمد از راه های ناصواب، بلکه صرف و خرج کردن آن در مسیرهای حرام و ناپسند نیز باطل است. از طرفی در جامعه اسلامی، هم

و سوء سریره ای که دارد و قطعاً این باعث نمی شود بر فعلی نیز استحقاق عقاب و عتاب پیدا کند و بدیهی است که حکم عقل به استحقاق مذمت زمانی با استحقاق عقاب تلازم و تقارن دارد که به فعل وی تعلق بگیرد نه به فاعل.

مبانی اخلاقی جرایم با مسئولیت مطلق در سیاست کیفری انگلستان

(الف) اصل نظم

«از آغاز قرن بیستم که عقاید اجتماعی طرفداران بسیاری یافته و دولت‌ها در تمام شئون زندگی اقتصادی و اجتماعی اشخاص به نام حفظ مصالح عمومی مداخله می‌کنند، روز به روز دامنه قواعد مربوط به نظم عمومی گسترش می‌یابد. دولت برای حفظ یا برقراری مجدد تعادل اقتصادی بین طرفین قرارداد و برای جبران ضعف مصرف‌کنندگان در برابر سرمایه‌داران بزرگ، همه روزه بر شمار قوانین امری می‌افزایند و پاره‌ای از قراردادها به صورت یک نهاد حقوقی ثابت درآمد و نقش حکومت اراده در آن بسیار ناچیز است.»

(ب) اصل مصلحت

اصل مصلحت^{۱۵}، یکی دیگر از ضرورت‌های دو رکنی جرایم می‌باشد. بر این اساس، اصل مصلحت از سوی پیروان مکاتب مختلف حقوق جزا، دیدگاه‌های مختلفی را به خود جلب نموده است. طرفداران اصالت سود که به هر امری از منظر سودمندی می‌نگرند، جرم را نیز از منظر اقتصادی مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند (۲۳). بر این اساس، هر نقض قانونی باعث افزایش رفاه نقدی یا رفاه روانی و یا هر دو در مجرم می‌شود. بنابراین، نتیجه نهایی هر جرمی رفع یک نیاز است که این نیاز ممکن است عقلایی و یا غیرعقلایی باشد. به طور کلی، عوامل ایجاد یک رفتار غیرقانونی را می‌توان در دو گروه تقسیم کرد: عواملی که ناشی از نیاز فرد باشد و وی را وادار به ارتکاب جرم کند و عامل قدرت طلبی فرد. بررسی تاثیر و نقش عوامل اقتصادی بر ارتکاب و البته پیشگیری از جرم، باعث ایجاد مباحثی با عنوان اقتصاد جرم شده است. از دیگر جنبه‌های مهم اقتصاد جرم، تعیین مجازات بهینه برای مجرمین است، اهمیت این نکته در آن است که به کارگیری مجازات‌های شدید، قوای محرکه دولت را فرسوده می‌کند. به این جهت، اقتصاد جرم با تعیین مجازات‌های بهینه درصدد آن است تا از یک سو زمینه‌های کاهش جرایم را فراهم نماید و از سوی دیگر، هزینه‌های دولت را برای کاهش جرایم به کمترین مقدار کاهش دهد.

مصلحت در زمینه ارکان تشکیل دهنده جرایم در اقتصاد آزاد در ارتکاب جرم نیز بایستی مورد توجه قرار بگیرد. شناسایی فعالیت‌های مجاز و مجرمانه اقتصادی بخش خصوصی گاهی اوقات با دشواری صورت می‌گیرد که نمونه بارز آن تمییز بین بازاریابی شبکه‌ای و فعالیت‌های مجرمانه شبکه‌های هرمی می‌باشد چرا که اساسی‌ترین تاثیر اقتصادی بازاریابی شبکه‌ای حذف واسطه‌هایست که از این طریق، سبب می‌

شخصی مستحق مجازات و مژمت است. اما اگر قطع او مخالف واقع باشد اکثر اصولی‌ها معتقدند که چنین شخصی هم مستحق مجازات و مذمت است. دلیل مجازات شخص متجری را یک دلیل عقلی می‌داند و می‌گوید: چون عقلاء چنین شخصی را مستحق مجازات می‌دانند و اگر مولی بنده متجری خود را مجازات کند او را نکوهش نمی‌کنند. به عبارتی نکوهش نشدن مولی در صورت مجازات متجری توسط عقلاء را نشانه نیکو بودن مجازات می‌داند و در توضیح نظر خود می‌گوید: اینکه عمل انجام شده در واقع مبعوض مولی نبوده است، لطمه‌ای به نیکو بودن مجازات نمی‌زند چون عملی که انجام شده به خاطر قطعی که به آن پیدا شده است یک لباس جدید ظاهری بر تن کرده است بنابراین عقل حکم می‌کند که چنین قطعی را باید اطاعت کرد و اگر باقطع خود مخالفت کند با یک حکم عقلی مخالفت کرده که مورد تایید شارع نیز بوده چون هر چه را که عقل به آن حکم کند شرع نیز به آن حکم می‌کند (۱۰). پس شارع برای مخالفت با قطع مجازات می‌کند و برای موافقت با آن پاداش می‌دهد. در اینجا علامه حیدری با اشاره به حدیث قدسی به خاطر تو پاداش میدهم و به خاطر تو عقاب می‌کنم مجازات متجری را نیکو دانسته است. دلیل دیگری که علامه مطرح می‌کند تفصیل قابل نشدن عقل در قطع است: زمانی که انسان به چیزی قطع پیدا می‌کند عقل به عمل به قطع یا عدم عمل به قطع حکم می‌کند و تفصیل قابل نمی‌شود که در صورت مطابقت با قطع تو موظف به عمل به قطع هستی و این دلیل امضاء و تایید حکم عقل به وسیله شارع است پس وقتی که تاییدیه شارع رسید به آن ثواب و عقاب مترتب می‌شود. خلاصه آنکه در تجری یک عمل، دو لباس و دو چهره و دو حکم دارد حکم واقعی آن است که خداوند قرار داده و حکم ظاهری آن است که قاطع به آن رسیده و لزوم تبعیت از قطع برای قاطع از کسی پوشیده نیست. علامه حیدری در کتاب اصول استنباط این نظر را به مشهور فقها نسبت داده است (۲۲).

دیدگاه دوم عدم مجازات متجری است. برخی از فقها و اصولیین ضمن رد ادله طرفداران لزوم مجازات متجری، بیان می‌دارند که تجری موجب مجازات متجری نیست زیرا در هر حال جرم و معصیت مورد نظر متجری انجام نشده و از این حیث قابل مجازات به عنوان جرم مورد قصد نیست. شیخ انصاری معتقد است: فعلی که از متجری صادر شده در واقع منهی عنه نبوده و صرفاً به اعتقاد فاعل مبعوض مولی است آیا نفس این اعتقاد باعث می‌شود فعل مبعوض مولی واقع شده و در نتیجه حرام شود یا چنین نیست؟ نه آنکه بحث کنیم آیا فعل صادره که به اعتقاد فاعل منهی عنه است از حیث باطن و سوء سریره و شقاوت فاعل کشف نموده و از جری بودن عید نسبت به مولی و سرکشی و عاصی بودن بودن وی اخبار می‌کند یا چنین نمی‌باشد. مخلص کلام آنکه: قبح فاعلی و شقی بودن متجری مورد قبول و تسلیم است ولی این امر باعث نمی‌شود که فعل صادر از او را حرام شرعی بدانیم و قبح فاعلی در افاده این معنا کافی نمی‌باشد، زیرا استحقاق وی نسبت به مذمت بلکه وقوع ملامت و سرزنش که عقلاء وی را مورد آن قرار می‌دهند بر امری است که فعل صادر از وی کاشف از آن است یعنی شقاوت درونی

شود که قیمت نهایی کالا و خدمات به شدت کاهش یابد از طرف دیگر در این گونه بازاریابی ها با توجه به حذف واسطه ها، دریافت های نقدی تولیدکننده افزایش می یابد که به لحاظ اقتصادی تاثیر شایان توجهی در مساله تولید خواهد داشت.

مبادلات مالی آزاد در اقتصادهای آزاد یکی از پایه های این اقتصادها به شمار می رود به نحوی که به ویژه نتولیرال ها، دخالت دولت در این عرصه را مخالف با آزادی های جریان پولی و مالی و ذاتاً تهدیدکننده و آسیب زا می دانند با این حال خود اقتصاد آزاد نیز زمینه ارتکاب برخی جرایم جدید را فراهم نموده است برای نمونه، جهانی شدن مالی و افول قانون گذاری دولتی در زمینه اقتصاد، موجب افزایش چرخه (پول کثیف) یا همان پولشویی از دهه ۷۰ میلادی به بعد شده است. در این جا، اصل آزادی نقل و انتقال سرمایه با ساز و کارهای کنترل نظام مالی از سوی دولت ها در تعارض قرار می گیرد. در اقتصادهای نیمه باز از جمله کشورمان، بحث مبادلات مالی آزاد به شکل نمایان تری به محملی برای ارتکاب انواع جرایم ممکن است تبدیل شود. بر اساس برآوردهای انجام شده، هر ۷ هزار دلار کالای قاچاقی که به کشور وارد می شود یک فرصت شغلی را از بین می برد. واردات قاچاق به کشور بیش از ۶ میلیارد دلار در سال برآورد شده است، به این ترتیب قاچاق کالای مصرفی به داخل کشور، رقمی معادل ۸۵۰ هزار فرصت شغلی را در سال از بین خواهد برد و این امر خود زمینه ارتکاب جرایم عمده تر را فراهم خواهد ساخت (۲۴).

نتیجه گیری

مسئولیت کیفری مطلق در سیاست های کیفری اعم از ایران و انگلستان به صورت مستقیم یا دو رکنی یا سه رکنی بودن جرایم در ارتباط است. تفاوت های مهمی میان مبانی اخلاقی جرایم با مسئولیت کیفری مطلق در سیاست جنایی ایران و انگلستان دیده می شود اولاً اینکه در ایران این نهاد حقوقی از آنجا که جزء مسایل مستحدثه فقهی است، بایستی قواعد کلی اخلاقی-فقهی را در مورد آن اعمال نمود در حالی که در سیاست کیفری انگلستان، اصولی مانند مصلحت از ابتدا در مورد مسئولیت کیفری مطلق مطرح شده است. ثانياً، دامنه جرایمی که در سیاست کیفری انگلستان ناظر بر مسئولیت کیفری مطلق مطرح می شود، بسیار گسترده تر از سیاست کیفری ایران است. در مورد سه رکنی بودن یا دو رکنی بودن جرایم در نظام حقوق کیفری ایران به نظر می رسد که تفاوت بین انواع جرایم وجود دارد و قانون گذار ایرانی، سیاست جنایی منسجمی در این مورد اتخاذ نموده است ضمن آن که بین سیاست جنایی قانون گذار ایرانی و فقه جزایی اسلام نیز در این زمینه تفاوت هایی مشاهده می گردد، مشاهده می شود رکن معنوی، رکن مادی و رکن قانونی در بعضی جرایم مشاهده می گردد مانند کلاهبرداری. با این حال از نظر اسلام، جرایمی که امروزه به عنوان جرایم مالیاتی اطلاق می شوند، جرم دو رکنی هستند به عبارتی هر گونه تصرف در اموال باید بر اساس حق، عدالت و قسط باشد و هر چه غیر از این باشد، حرام و باطل است. بر این مبنا، سه گونه جرایم مالیاتی

قابل تصور است: ۱- هرگونه تصرف مالی بدون مجوز ولی امر- بدون توجه به رکن معنوی - باطل است. لذا در وهله اول، تمامی تصرفات حکومت های غیرالهی بر اساس منطق قرآن کریم، حرام و باطل است؛ ۲- عدم پرداخت آنچه ولی امر تعیین نموده است، باطل است؛ ۳- اداره امور بیت المال نیازمند افرادی است که امین باشند. لذا هر گونه تصرف بدون مجوز امین در اموال بیت المال یا اخذ بدون مجوز مال، باطل است. لذا در جامعه اسلامی، هم، دخل و خرج، هم تولید و توزیع باید با معیارهای صحیح و مشروع، انجام پذیرد.

نتیجه کلی تحقیق حاضر آن است که مبانی اخلاقی در سیاست کیفری ایران بر اساس قواعد کلی فقهی لاضرر، قاعده تجری، قاعده اکل مال به باطل و ... قابل اشاره است در حالی که در سیاست کیفری انگلستان بر مبانی اصولی مانند اصل مصلحت قابل ارزیابی است.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Civil right	حقوق مدنی
2. Absolute responsibility	مسئولیت مطلق
3. Criminal liability	مسئولیت کیفری
4. Ethics of criminal policy	اخلاق سیاست کیفری
5. Intentional crimes	جرایم عمدی
6. Protecting the public interest	حفظ منافع عمومی
7. No damage rule	قاعده لاضرر
8. Economic crime	جرم اقتصادی
9. Private property	مالکیت خصوصی
10. Fiqh of Imamiyya	فقه امامیه
11. Criminology	جرم شناسی
12. Social relations	روابط اجتماعی
13. Economic relations	روابط اقتصادی
14. Guilt	گناه
15. Principle of expediency	اصل مصلحت

References

- Shahcheragh SH. (2012). A comparative study of absolute criminal liability in iranian law with a view on the common law system. *Legal Journal of Justice*; 78: 75-82. (In Persian).
- Ahadi R. (2020). Review of the psychological element in crimes with absolute responsibility with emphasis on crimes against the environment. *Quarterly Journal of Legal Research of its Municipality*; 19(43). (In Persian).
- Ahadi F. (2010). The concept, principles and scope of crimes with absolute responsibility. *Quarterly*

- Iranian criminal law. Ethics in Science and Technology; 14(4). (In Persian).
15. Mahdavi M, et al. (2017). Fundamentals of criminalization of economic crimes in Imami jurisprudence. Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies; 4(1). (In Persian).
 16. Mirsaee SM, Zamani M. (2013). Economic crime; Definition or rule? Quarterly Journal of Criminal Law Research; 2(14). (In Persian).
 17. Soleimani H, Abdullahi Nezhad A. (2010). Investigating the jurisprudential principles of money laundering. Journal of Islamic Jurisprudence and Law; 2(3). (In Persian).
 18. Mirkhalili SM. (2016). Obstacle barrier and crime prevention in Islamic teachings. Islamic Law Quarterly; 8(31). (In Persian).
 19. Soleimani H, Soltani A, Safaei M. (2016). Analysis of the territory of the rule. Journal of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law; 10(34). (In Persian).
 20. Salehi Moghadam AM, Bahraminezhad A. (2015). Examining the concepts similar to execution in the Islamic Penal Code and the relationship between execution and dangerous situation. Journal of Jurisprudence and History of Civilization. 11(44). (In Persian).
 21. Anvari H. (2002). Great culture of speech. 2nd ed. Iran/Tehran: Sokhan Publication. (In Persian).
 22. Ayoubi H. (2009). Investigating the dynamics and stagnation of jurisprudence and ijihad in the Imami school. 1st ed. Iran/Yazd: Yazd University Publication. (In Persian).
 23. Viljanvoski C. (2006). The economics of law. 2nd ed. Britain: Published in Great Britain in by the Institute of Economic Affairs.
 24. Najafi Abrandabadi AH. (2008). History of criminal thoughts. 3rd ed. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
 - Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law; 5: 140-146. (In Persian).
 4. Janipour M, Abbasi M. (2013). Investigation of absolute responsibility from the perspective of criminal law and Imami jurisprudence with emphasis on physician responsibility. Studies in Contemporary Comparative Law; 4(6): 23-53. (In Persian).
 5. Sato H. (2011). The execution of illegal orders and international criminal responsibility. 2nd ed. USA: Springer Publication.
 6. Larsson ML. (1999). The law of environmental damage: liability and reparation. 1st ed. USA/Boston: Martinus Nijhoff Publication.
 7. Goel S. (2015). Corporate manslaughter and corporate homicide: scope for a new legislation in India. 1st ed. India: Partridge Publishing India.
 8. Hallevy G. (2015). The matrix of insanity in modern criminal law. 2nd ed. USA: Springer Publication.
 9. Hasani M. (2021). Absolute criminal responsibility in white-collar crimes. Islamic Law Quarterly; 18(68). (In Persian).
 10. Ardabili MA. (2014). General criminal law. 36th ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
 11. Hajivand A, Mirkamali SA. (2018). Jurisprudence, legal and criminology foundations of differential proceeding of green crimes. Treaty Legal Research; 2:143-174. (In Persian).
 12. Mousavi Bojnourdi SM, Montazeri Z, Mousavi MS. (2020). Manifestation of the rule of “who owns you?” and position of ethics in civil law. Ethics in Science and Technology; 15 (1) :1-7. (In Persian).
 13. Gholami M, Kalantari Daroukola K, Goldouzi I, Esmaili H. (2020). Islamic ethics and civil liability in compensating innocent prisoners: a comparative study of Iranian and American law. Ethics in Science and Technology; 15 :6-12. (In Persian).
 14. Afrasiabi S, Khoeni G, Soleimani AM. (2019). Legal and moral grounds for criminalization in